Received: 2025/6/30
Accepted: 2025/11/3
from 159 to 181

Parvaneh Mehrjoo
Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran. (Corresponding Author)
p.mehrjoo@pnu.ac.ir

marzieh jafarzadeh
Master of History and Philosophy of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran.
Mim2jim78@gmail.com

Marjan Masoomifard
Associate professor, department of educational science, Payame Noor University (PNU), P.O.Box 19395-4697, Tehran, Iran
dr.masoomifard@pnu.ac.ir

Keywords:
Quranic Teachings, Chastity-based Education, Chastity, Pedagogy, Education.

Explaining the Nature of Chastity-based Education Based on Quranic Teachings and its Implications in the Field of Pedagogy

Abstract

Raising a virtuous generation requires utilizing Quranic resources. Today's educational landscape lacks a clear definition of Chastity-based Education (Tarbiat-e Afifaneh) grounded in religious texts. Specialists must address this gap in both theory and practice. This study answers two primary questions. What is the nature of chastity-based education in the Quran? How do these teachings realize this education? The researchers applied an analytical and conceptual method to answer the first question. They used an inferential method based on Frankena's reconstructed model for the second. The study analyzed Quranic verses explicitly mentioning the concept of chastity ('Iffah) and its derivatives. The findings identify six foundations for this education. These include piety (Taqwa), modesty and covering (Haya and Pushish), self-control, avoiding privacy with non-mahrams, marriage, and family-centered upbringing in a healthy environment. The research determines achieving felicity and perfection as the ultimate goal, supported by three intermediate objectives. The authors categorized four operative principles. These are strengthening faith, balancing inner faculties, teaching the consequences of unchastity, and avoiding corrupt environments. The practical methods include four specific approaches. These consist of self-purification (Tazkiyah), controlling the gaze alongside inner modesty, building awareness, and clearing moral corruption from society. The results show this Quranic framework helps individuals control desires and maintain personal dignity. It equally secures social well-being. The principles and methods presented align directly with psychological and social realities. They offer practical and sustainable solutions for establishing healthier societies.

تبیین ماهیت تربیت عفیفانه بر اساس آموزه‌های قرآن و دلالت‌های آن در قلمرو تعلیم و تربیت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱۲
از صفحه ۱۵۹ تا صفحه ۱۸۱

پروانه مهرجو
استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)
p.mehrjoo@pnu.ac.ir

مرضیه جعفرزاده
کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
Mim2jim78@gmail.com

مرجان معصومی فرد
دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
dr.masoomifard@pnu.ac.ir

چکیده

تربیت صحیح و پرورش نسل نیکو مستلزم بهره‌گیری از منابع قرآنی است. بر اساس این، شناسایی ماهیت تربیت عفیفانه بر محور آموزه‌های دینی و قرآنی گمشده‌ی فضای تعلیم و تربیت امروز است؛ بنابراین، پرداختن متخصصان به این مهم در حوزه‌ی نظر و عمل ضرورتی انکارناپذیر است. در این پژوهش تلاش شده است، به دو پرسش پژوهشی پاسخ داده شود: اول، ماهیت تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآنی چیست؟ و دوم، تربیت عفیفانه بر اساس آموزه‌های قرآنی چگونه محقق می‌شود؟ برای پاسخ به پرسش اول از روش تحلیلی_ مفهومی و برای پاسخ به پرسش دوم از روش استنتاجی بر اساس الگوی بازسازی‌شده‌ی فرانکنا استفاده شد. ملاک ورود به پژوهش آیاتی از قرآن بود که در آن‌ها واژه‌ی عفت و مشتقات آن مستقیماً آمده بود. یافته‌ها در پاسخ به پرسش اول، به شناسایی شش مبنای تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآنی منجر گردید که شامل مبنای تقوا، مبنای حیا و پوشش، مبنای خودکنترلی، مبنای پرهیز از خلوت با نامحرم، مبنای ازدواج، مبنای تربیت خانوادگی و ایجاد محیط سالم است؛ همچنین دستاوردهای پژوهش در پاسخ به پرسش دوم به شناسایی هدف غایی رسیدن به سعادت و کمال و اهداف سه‌گانه‌ی میانی منجر شد. به همین ترتیب، اصول چهارگانه‌ی تقویت ایمان، تعادل در قوا، یادآوری پیامدهای بی‌عفتی و دوری از محیط‌های سالم دسته‌بندی و شناسایی گردید. روش‌های تربیت عفیفانه نیز شامل چهار روش ۱. تزکیه‌ی نفس، ۲. کنترل نگاه و حیای درونی، ۳. آگاهی‌بخشی و ۴. سالم‌سازی جامعه از آلودگی‌های اخلاقی است. نتایج نهایی پژوهش حاکی از آن بود، تربیت عفیفانه بر اساس آموزه‌های قرآنی، نه‌تنها به فرد در کنترل امیال و حفظ کرامت شخصی کمک می‌کند، بلکه به سلامت جامعه نیز منجر می‌شود و نیز اصول و روش‌های ارائه‌شده‌ی در قرآن با واقعیت‌های روان‌شناختی و اجتماعی سازگار است و راهکاری عملی و پایدار برای ایجاد جوامع سالم‌تر ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی:
آموزه‌های قرآن، تربیت عفیفانه، عفت، تعلیم و تربیت.

۱- مقدمه

عفت نوعی بینش و خصلت برتر از حجاب و یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است که در رشد و پیشرفت فرد، خانواده و جوامع انسانی نقش بسزایی دارد و از غلبه‌ی خواهش‌های نفسانی بر عقلانی ممانعت می‌کند. عفت همه‌ی ابعاد و روابط زندگی را در برمی‌گیرد و در همه‌ی مراحل زیست انسان ایفای نقش می‌کند. تجلی عفاف در این است که انسان خواسته و خواهش‌های نفسانی خویش را مطیع تعقل کند تا بدین‌وسیله از اسارت شهوات خارج شود و به آزادی حقیقی برسد (سلیمی‌فرد و گراشی،۱۴۰۲، ص ۶۳۷). روح پاک انسان در کودکی مانند موم نرمی است که به‌راحتی شکل می‌پذیرد و والدین و دیگر مربیان تربیتی باید در تربیت کودک شتاب کنند؛ زیرا زمینه‌ی یادگیری و پرورش کودک در این سنین نسبت به دیگر مراحل عمر انسان بیشتر است؛ بنابراین، اگر خشت اول تربیتی درست و بر مبنای آموزه‌های قرآن و اخلاق اسلامی قرار بگیرد، این زیربنای مستحکم شخصیتی می‌تواند خود و جامعه را به سوی اعتلای دنیوی و اخروی سوق دهد و دیگران را نیز در مسیر رسیدن به کمال مطلوب الهی با خود همراه سازد و از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی جلوگیری گردد (فرمهینی فراهانی،۱۴۰۰، ص ۲۹۱).

روشن است، قرآن کریم به‌عنوان معجزه‌ی آخرین پیامبر الهی، حرف‌های بسیار مؤثری برای هدایت و سروسامان بخشیدن به زندگی مشوش انسان امروزی دارد. این برنامه‌ها و سخنان شامل ابعاد و ساحات مختلف زندگی انسان می‌شود. گاهی مربوط به روح و گاهی مربوط به جسم است. بعضی از اوقات فرد و یک شخص را خطاب قرار می‌دهد و گاهی اجتماع و همه‌ی جماعت آدمی را. آنچه مسلم است، برنامه‌ی خداوند به‌عنوان خالق او می‌تواند مطمئن‌ترین و ساده‌ترین و درعین‌حال، کم‌هزینه‌ترین راه برای رسیدن به امنیت و آرامش جسمی و روحی باشد: «إِنَّ هَـذَا الْقُـرْآنَ يهْدِي لِلَّتِي هِي أَقْوَمُ» (اسراء: ۹). قرآن که هادی انسان‌ها و متکفل تربیت آنان است، یقیناً بهترین روش‌های تربیت برای انسان‌ها را نیز در بردارد (عباسی اقدم، ۱۴۰۰، ص ۲۱).

از آیات قرآن برمی‌آید که دستورهای خداوند در زمینه‌های مختلف جنبه‌ی پیشگیرانه دارد. در دنیای امروز، پایبند نبودن به اصول اخلاقی در همه‌ی زمینه‌ها و حتی اصول انسانی باعث شده است تا آدمی به دنبال قانونی جامع و دستوری هدایت‌کننده باشد که علاوه بر متضمن شدن زندگی شخصی افراد، شامل زندگی اجتماع آنان نیز باشد. سبک زندگی و تربیتی که با قوانین آفرینش سازگاری داشته باشد، می‌تواند موجبات سعادت و خوشبختی را برای بشر فراهم کند. «**أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا**» (روم: ۳). اگر کسی از بخش فطرت توحیدی‌اش به سوی طبیعت حیوانی‌اش برگردد، هیچ‌گاه از فیض الهی بهره‌ای نمی‌برد؛ مانند ظرف واژگونی که هرچه از بالا باران بیاید، چیزی درون آن نمی‌ریزد. اگر انسان به بعد فطری خود رو کند، نه‌تنها حقوق بدن و جنبه‌ی طبیعی روح او پایمال نمی‌گردد، بلکه در تکامل به افق اعلی و مقام «او أدنی» می‌رسد که از فرشتگان برتر و بالاتر است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۴).

تدبر و تحقیق درباره‌ی آنچه خداوند از ما خواسته و مسیری که برای رسیدن به مقصود به ما نشان داده است، می‌تواند حل‌کننده‌ی بسیاری از مسائل فردی و اجتماعی انسان باشد. پس آنچه

در ایـن پژوهـش لازم به‌نظـر می‌رسـد، آن اسـت کـه بـرای مخاطـب روشـن سـازیم کـه عفیفانـه تربیـت شـدن و عفیفانـه زیسـتن بـه چـه معناسـت و در قـرآن کریـم بـرای پیشـبرد مقاصـدش چـه کاربـردی دارد؛ زیـرا احادیـث رسـیده بـه مـا نیـز اهمیـت مسـئله‌ی عفـاف را متذکـر می‌شـود: «أَفْضَـلُ الْعِبَـادَةِ الْعَفَـافُ» (کلینـی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۹).

صاحـب مجمـع البحریـن عفـاف را نگـه داشـتن نفـس از محرمـات و پرهیـز از درخواسـت از دیگـران تعریـف کـرده اسـت کـه هـر دو بـه نحـوی بـه اهمیـت غنـی بـودن انسـان چـه روحـی و مـادی و عملـی اشـاره می‌کنـد (طریحـی، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۱۰۲). دغدغـه‌ی والدیـن و جسـت‌وجوهای بی‌حاصلشـان کـه بـا نسـخه‌هایی موقـت بـا تاریـخ انقضـای کوتاه‌مدتـی همـراه اسـت، مـا را بـر آن داشـت تـا راهـکاری قطعـی و تضمین‌شـده کـه از سـوی خداونـد اسـت، بـه والدیـن و متولیـان امـر تربیـت معرفـی کنیـم تـا بـا مباحـث مقدماتـی و پیشـگیرانه‌ای کـه در آن نهفتـه اسـت، آینـده‌ی اخلاقـی افـراد و در پـس آن، آینـده‌ی اخلاقـی جامعـه‌ی خـود را ایمـن سـازیم. عفـاف ارتبـاط مسـتقیمی بـا کرامـت و عزت‌نفـس دارد؛ بـه بیانـی دیگـر، حریـم و حرمـت انسـان زمانـی زایـل می‌شـود کـه بـا دوری از رفتارهـای عفیفانـه، از کرامـت و عزت‌نفـس خـود می‌کاهـد (علم‌الهـدی،۱۳۹۷، ص ۴۹). والدیـن همـواره نگـران و معـترض بـه سـبک زندگـی خطرنـاک فرزنـدان خـود هسـتند و ایـن مسـئله را مطـرح می‌کننـد کـه متوجـه تغییـرات منفی محسـوس فرزندانشـان هسـتند (حسـن‌زاده و آل‌بویـه، ۱۴۰۳). مسـائل تربیتـی و اخلاقـی تنهـا بـا گفـتن، شـنیدن و خوانـدن حـل نمی‌شـود، بلکـه تمریـن روزانـه و پایـدار بـرای تربیـت انسـان کامـل لازم اسـت؛ یعنـی عهـده‌داران هدایـت مـردم، گذشـته از تعلیـم احـکام بـه آنـان، خودشـان عمـل می‌کننـد و هنـگام تعلیـم نشـانه‌ی عمـل در آنـان مشـهود اسـت و به‌گونـه‌ای آمـوزش می‌دهنـد کـه پیداسـت خودشـان فهمیده‌انـد، بـاور کرده‌انـد و عمـل نموده‌انـد و خواهنـد کـرد (جـوادی آملـی، ۱۳۹۸، ص ۲۷)؛ بنابرایـن، نیـاز ضروری جامعـه‌ی امـروزی رسـیدن بـه برنامـه‌ای مطابـق مبانـی و اصـول مطرح‌شـده در آیـات اسـت کـه بـا توجـه بـه آن بتـوان بـه اصـول مدنظـر قـرآن در تربیـت عفیفانـه دسـت پیـدا کـرد و انسـان را بـه غایـت معنـوی و اخلاقـی در رسـیدن بـه حیـات طیبـه و جامعـه‌ی سـالم یـاری کـرد. بـر اسـاس همیـن، پژوهـش حـاضر بـه دنبـال پاسـخگویی بـه دو پرسـش ذیـل برآمـده اسـت:

۱- ماهیت تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآن چیست؟

۲- تربیت عفیفانه‌ی مورد انتظار بر اساس آموزه‌های قرآنی چگونه محقق می‌شود؟

۲- پیشینه‌ی پژوهش

تـا آنجـا کـه جسـتجوها نشـان داد، دربـاره‌ی تربیـت عفیفانـه بـر اسـاس آموزه‌هـای قـرآن پژوهش‌هـای پراکنـده‌ای در کشـور صـورت گرفتـه اسـت کـه برخـی شـامل مقـالات علمـی پژوهشـی بـوده و برخـی به‌صـورت رسـاله‌ی دکتری و نیـز کتـاب در ایـن حـوزه بـه چـاپ رسـیده اسـت و به‌صـورت گـزارش پژوهـش به‌اختصـار بـه آن‌هـا اشـاره می‌شـود. پژوهـش حسـن‌زاده و آل‌بویـه (۱۴۰۳) بـا عنـوان «جایـگاه اخلاقـی عفـت در سـوره نـور بـا تأکیـد بـر آرای تفسـیری آیت‌اللـه جـوادی آملـی»، بـا روش توصیفی_تحلیلـی و شـیوه‌ی تفسـیری انجـام شـد. از ایـن پژوهـش به‌دسـت می‌آیـد کـه عفـت از نظـر آیت‌اللـه جـوادی آملـی

حالتی نفسانی است که باعث جلوگیری از غلبه‌ی شهوت بر انسان می‌گردد و در مسائل غریزی و مالی هم استفاده‌شده است. تلاش برای تهذیب نفس، پوشیدگی روابط جنسی همسران، ترویج فرهنگ ازدواج و داشتن توان مهار خواهش‌های نفسانی از راهکارهای عملی در تحصیل و گسترش عفاف است. در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه عفت در تربیت فردی و اجتماعی از منظر قران کریم و روایات» (خانمحمدی، ۱۴۰۲) که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شد، عفت به معنای پاک‌دامنی و نگه‌داشتن خود از غلبه شهوات و تمایلات درونی آمده است و همواره از آن به‌عنوان قوی‌ترین نیروی تعدیل غرایز و شهوات انسانی یاد می‌شود که معنا و مفهوم عفاف بسیار فراتر و گسترده‌تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است. این مقاله با مطالعه‌ی منابع دست اول، به بررسی جایگاه عفت در تربیت فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته است. اهمیت مسئله‌ی تربیت در سایه‌ی عفت از آنجا نشئت می‌گیرد که در آیات قرآن بارها به این دو موضوع بدان اشاره‌شده است و نیز روایات متعددی در اهمیت آن موجود است. اهمیت دیگر موضوع را می‌توان این‌گونه عنوان کرد که عفت‌ورزی تنها در حوزه‌ی نفسانی و خودسازی نقش ندارد، بلکه در حوزه‌ی اجتماعی نیز کارکردهای مهم و اساسی دارد. از نتایج تحقیق در حوزه‌ی فردی می‌توان به نقش عفت در کلام و گفتار، رفتار و اعضا و معاشرت اشاره کرد؛ همچنین از بعد اجتماعی می‌توان به استحکام خانواده، مصون ماندن نوامیس از دستبرد نامحرمان، امنیت اجتماعی و پاکیزه ماندن نسل اشاره داشت که با رعایت برخی نکات ازجمله رعایت آداب سخن گفتن با نامحرمان، پرهیز از خلوت با آنان، حفظ وقار و تقویت حیا به‌دست می‌آید و درنهایت، رعایت عفاف می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا کند و آدمی را به کمال و سعادت حقیقی خویش نائل گرداند. جعفری و ابراهیمی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای مدیریت عفت از منظر قرآن کریم» که با روش اسنادی صورت گرفت، به عفت به‌عنوان مسئله‌ای پرداخته‌اند که در سلامت زندگی اثرگذار است و با شناخت عوامل و زمینه‌های بی‌عفتی ازجمله اختلاط و خلوت مردان و زنان نامحرم، تجرد آنان، بی‌توجهی به ازدواج، چشم‌چرانی و آثار شوم آن، از رواج بی‌عفتی در جامعه جلوگیری شود. فلاح تفتی (۱۴۰۱) در کتاب حاکمیت، حجاب و عفاف، از دیدگاه فقهی و حقوقی نظام اسلامی در حوزه‌ی عفاف و حجاب سخن به میان آورده و با موضوع‌شناسی مسئله به حیطه‌ی مسئولیت حکومت دراین‌باره پرداخته است. الطاف (۱۴۰۱) در رساله‌ی خود تلاش کرده است تا راهکارهای قرآن مجید برای از بین بردن بحران‌های جنسی را بیان کند و این راهکارها را به دو دسته‌ی راهکار فردی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرده است. فیضی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «شیوه‌های ترویج عفت از دیدگاه آیات و روایات» که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد، به واکاوی اعمالی پرداخته است که اسلام برای ترویج عفت توصیه کرده است. ازدواج، ایمان، غیرت، تقوا، معرفت، عزت‌نفس، تعقل و دوراندیشی ازجمله‌ی این راهکارها است. طیبی و عزیزی (۱۳۹۹) به بررسی جنبه‌های مختلف عفاف با روش توصیفی پرداختند. نتایج بیان‌کننده‌ی آن بود که از دیدگاه قرآن و احادیث، عفاف در نگاه، پوشش، در طعام و مال و عدم تبرج از مصداق‌های عفاف در کردار است. قول معروف، صحبت به‌ضرورت، شوخی

نکـردن بـا نامحرمـان، اسـتفاده نکـردن از محتوایـی کـه باعـث برانگیختـن شـهوت می‌شـود، نیـز در آیـات مرتبـط بـا عفـاف در گفتـار آمـده اسـت.

به‌طـور خلاصـه، بـا بررسـی سـابقه‌ی پژوهش‌هـا ایـن نکتـه به‌دسـت می‌آیـد کـه موضـوع تربیـت عفـت در مجامـع علمـی کشـور همچنـان به‌صـورت یـک خـلأ پژوهشـی به‌شـمار مـی‌رود و پژوهشـگران متعـدد بـا اتـکا بـه آموزه‌هـای وحیانـی قـرآن، سـعی در مرتفـع کـردن ایـن خـلأ پژوهشـی دارنـد. نقطـه‌ی تمایـز پژوهـش حـاضر بـا دیگـر پژوهش‌هـای انجام‌شـده در ایـن عرصـه آن اسـت کـه به‌صـورت جامـع واژه‌ی عفـت و مشـتقات آن را در قـرآن واکاوی کـرده اسـت و بدیـن منظـور، بـر یـک سـوره یـا آیـه‌ی خـاص متمرکـز نبـوده اسـت. ایـن رویکـرد جامع‌نگـر نسـبت بـه تربیـت عفیفانـه بیان‌کننـده‌ی نـوآوری پژوهـش حـاضر نسـبت بـه دیگـر پژوهش‌هـای گذشـته اسـت. بـا اندکـی تأمـل می‌تـوان دریافـت کـه در پژوهش‌هـای انجام‌شـده‌ی سـابق، جنبـه خاصـی از تربیـت عفـت مدنظـر قـرار گرفتـه اسـت کـه محـدود بـه امـور جنسـی و پوشـش و حجـاب اسـت، درحالی‌کـه بـر اسـاس آموزه‌هـای قرآنـی، گسـتره‌ی واژه‌ی عفـت صرفـاً بـه امـور جنسـی خلاصـه نمی‌شـود. ایـن بُعـد نیـز جنبـه دیگـری از خلاقیـت و نـوآوری در عنـوان تحقیـق به‌شـمار مـی‌رود.

۳- روش پژوهش

بـا توجـه بـه کیفیـت و ماهیـت ایـن پژوهـش، نـوع پژوهـش از لحـاظ هـدف «کاربـردی» و مؤلفـه‌ی آن «کیفـی» و «تحلیلـی- اسـتنتاجی» اسـت. الگـوی بازسازی‌شـده‌ی فرانکنـا روش به‌کاررفتـه بـرای اسـتنتاج اهـداف، اصـول و روش‌هـای تحقـق تربیـت عفیفانـه بـر اسـاس آموزه‌هـای قـرآن اسـت. در ایـن الگـو دو نـوع گـزاره بـه‌کار مـی‌رود: گزاره‌هـای هنجـاری و گزاره‌هـای واقع‌نگـر. گزاره‌هـای هنجـاری کـه ماهیـت تجویـزی دارنـد، سـه گونـه هسـتند: گزاره‌هـای مربـوط بـه اهـداف تربیتـی، گزاره‌هـای مربـوط بـه اصـول و گزاره‌هـای مربـوط بـه روش‌هـای عملـی کـه بایـد در تعلیـم و تربیـت بـه‌کار رود. گزاره‌هـای واقع‌نگـر ماهیـت توصیفـی دارنـد و بـه روابـط و مناسـبات واقعـی میـان امـور ناظرنـد. ایـن گزاره‌هـا خـود بـر دو نوع‌انـد: گزاره‌هـای مربـوط بـه آنکـه بـرای نائـل شـدن بـه اهـداف یـا برخـی از اصـول، چـه دانش‌هـا، مهارت‌هـا یـا نگرش‌هایـی لازم یـا مناسـب اسـت؛ همچنیـن گزاره‌هـای مربـوط بـه اینکـه بـرای کسـب دانش‌هـا چـه روش‌هایـی مفیـد و مؤثـر اسـت. گزاره‌هـای واقع‌نگـر می‌توانـد شـامل فرضیه‌هـای تبیین‌کننـده‌ی نظریه‌هـای روان‌شناسـی، یافته‌هـای تجربـی، گزاره‌هـای معرفت‌شـناختی، متافیزیـک یـا الهیاتـی باشـد. در ایـن روش، بـرای اسـتنتاج اصـول از اهـداف تربیتـی بایـد گزاره‌هـای واقع‌نگـر مبنایـی بـرای نیـل بـه اهـداف، بـه آن‌هـا افـزوده شـود (باقـری و همـکاران، ۱۳۸۹). فرانکنـا در معرفـی الگـوی خـود، شـیوه‌ای پس‌رونـده را معرفـی می‌کنـد؛ امـا الگـوی وی را همچنیـن به‌صـورت پیش‌رونـده می‌تـوان اسـتفاده کـرد. در ایـن شـیوه، حرکـت از مقدمـات به‌سـوی نتایـج اسـت. در الگـوی بازسازی‌شـده‌ی فرانکنـا، از قـرار گرفتـن اهـداف و مبانـی در کنـار هـم اصولـی اسـتخراج می‌گـردد و ایـن اسـتخراج، خـود بـر اسـاس الگـوی اسـتنتاجی اسـت. در الگـوی بازسازی‌شـده‌ی فرانکنـا، گزاره‌هـای واقع‌نگـر حـاوی «اسـت» در کنـار گزاره‌هـای هنجـاری قـرار می‌گیرنـد کـه می‌تواننـد هـدف باشـند و درنهایـت، اصـل یـا اصـول به‌عنـوان

نتیجه از آن‌ها استنتاج می‌شود. گفتنی است، در این پژوهش گزاره‌های واقع‌نگر با اصطلاح مبنا مطالعه شده‌اند (باقری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). برای استنتاج اصول تربیتی باید از اهداف تربیتی و گزاره‌های واقع‌نگر به‌منزله‌ی مقدمات یک استدلال قیاسی بهره گرفت که نتیجه‌ی آن استخراج اصلی از اصول تعلیم و تربیت خواهد بود.

۴- مبانی نظری بحث

مطالب این بخش بیشتر از دیدگاه علوم تربیتی و نسبت به مبانی نظری به‌عنوان خاستگاهِ استنباط اهداف، اصول و روش‌های تربیتی موردبحث است، هرچند بنا بر اقتضا، به برخی نکات قرآنی نیز پرداخته‌شده است.

۴-۱- چیستی تربیت عفیفانه

تربیت به‌طور مطلق به پروردن، آموختن و پرورش دادن معنا شده است (موسوی و حسینی،۱۴۰۰، ص ۱۰۲)؛ اما عده‌ای تربیت را از ریشه‌ی «ربو» و دیگران از ریشه‌ی «ربب» می‌دانند. با مراجعه و بررسی آرای واژه‌شناسان متوجه می‌شویم، تربیت دو ریشه‌ی اصلی و ثانوی دارد که با توجه به قواعد صرف و نحوی، ریشه‌ی «ربب» اصلی و ریشه‌ی «ربو» ثانوی یا فرعی است (باقری، ۱۳۹۸، ص ۶۴). تربیت گرفته‌شده از ریشه‌ی «ربو» به معنای فزونی، زیادت بر چیزی و افزایش یافتن است و درباره‌ی انسان، رشد و نمو جسمی و بزرگ شدن مدنظر است. فراهیدی از لغت‌شناسان قرن دوم معتقد است، تربیت با ریشه‌ی «ربو» به معنای زیادت است (فراهیدی،۱۴۰۲، ص ۳۰۸).

عفت در لغت، خود نگهداری و پدید آمدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به‌وسیله‌ی آن، از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود و اصلش بسنده کردن در گرفتن چیز اندک است. طلب عفت و پاک‌دامنی و بازایستادن از حرام استعفاف نام دارد (راغب اصفهانی، ۵۰۲، ج ۱، ص ۳۳۹). برخی برای معرفی آن از ضدش، هتّاکی (پرده‌دری)، استفاده می‌کنند؛ به همین علت، در بسیاری از موارد عفت را درباره‌ی پرهیزکاری در مسائل جنسی استعمال کرده‌اند. در حقیقت، عفت حد اعتدال شرّه و خمودی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۳۱۵).

در جهان‌بینی قرآن، تربیت مفهومی زنده‌کننده، فزاینده، پویا و بالنده است که موجب رشد همه‌جانبه‌ی انسان می‌شود و غایت آن تزکیه و رشد و تعالی روح و جان آدمی و مربی حقیقی خداوند است و این جریان جز از طریق تعالیم آسمانی که از سوی پیامبران ابلاغ‌شده است، امکان‌پذیر نیست. با توجه به این معنا، تربیت مطلوب هنگامی محقق می‌شود که همه‌ی افعال، روح، جان و گفتار انسان در طریق رشد و تعالی حکیمانه و عالمانه هدایت شود (فتحی،۱۴۰۰، ص ۱۴۷).

گفتنی است، رعایت عفت یکی از ارکان اخلاقی و رفتاری مدنظر اسلام برای هر مسلمان است. همان‌طور که گفته شد، عفاف دامنه‌ی وسیعی از شئونات فردی و اجتماعی در اندیشه، گفتار و رفتار را در برمی‌گیرد که هرکسی در هر جایگاهی، باید در مرحله‌ی نخست، خود را به سلاح عفاف

مسلح کند و تا جایی که در توان دارد و تکلیف بر او است، بتواند تأثیرات مثبتی را بر خانواده، فرزندان و نسل خویش بر جای بگذارد. اگر روند تربیتی جامعه عفیفانه نباشد، جامعه به‌ویژه جامعه‌ی اسلامی، خلأ آن را احساس خواهد کرد.

در پژوهش‌هایی که درباره‌ی عفت و تربیت عفیفانه انجام‌گرفته، تعریف تربیت عفیفانه به «فرایندی تعاملی و مستمر میان دو عامل انسانی با هدف اثرپذیری متربی از مربی، در حرکتی ارادی با رشد شناختی، عاطفی و مهارتی برای مدیریت نیاز جنسی خود در رسیدن به حیات طیبه و انسانی» تعریف‌شده است (علم‌الهدی، ۱۳۹۷، ص ۷۱). انسان موجودی است که از سطح غریزه‌ها فراتر می‌رود و در حد وظیفه و انتخاب زندگی می‌کند. خوراک، پوشاک، دوستی، نشستن و برخاستن و حرکات او از غریزه الهام نمی‌گیرند. این حیوانات هستند که به خاطر غریزه زندگی می‌کنند؛ اما انسان باید از این سطح بالاتر بیاید و به‌سوی وجودی برتر و بالاتر حرکت کند (صفایی حائری، ۱۳۹۸، ص ۳۶)؛ بنابراین، در تعریف علم‌الهدی، به تربیت عفیفانه در حد شهوت جنسی توجه شده است، حال اینکه در آموزه‌های قرآنی، عفت در امور جنسی خلاصه نمی‌شود؛ اما با توجه به واژه‌های تربیت و عفت که در مباحث پیشین بررسی شدند، می‌توان گفت، تربیت عفیفانه یعنی «شیوه‌های تربیت به‌گونه‌ای باشند که در جریان رشدیافتگی انسان‌ها، به فعلیت رسیدن استعدادها و کامل شدن شخصیت آنان، به توانایی درونی برسند که به حلال خداوند (به‌طور خاص درباره‌ی مالی و جنسی) اکتفا، بر خواهش‌های نفسانی غلبه و از حرام الهی خودداری کنند.» در ادامه، این موارد به‌تفصیل شرح داده خواهد شد.

۴-۲- تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآن

در پژوهش حاضر، آیاتی که بررسی و تحلیل شدند، آیاتی هستند که واژه‌ی عفت یا مشتقات آن در متن آیه ذکرشده است و شامل چهار آیه (آیه‌ی ۲۷۳ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶ سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی نور و آیه‌ی ۶۰ همین سوره) است.

به‌طورکلی، در قرآن کریم چهار بار به واژه‌ی عفه و مشتقات آن اشاره‌شده است که دو آیه‌ی ۲۷۳ سوره‌ی بقره و ۶ سوره‌ی نساء از بُعد اقتصادی به عفت نگریسته است و آیات ۳۳ و ۶۰ سوره‌ی نور از بُعد جنسی عفت‌ورزی را مدنظر قرار داده‌اند (فلاح تفتی، ۱۴۰۰، ص ۳۹). در قرآن کریم، مستقیماً به آموزش عفت به فرزندان اشاره نشده است؛ اما مفاهیم و ارزش‌هایی در ارتباط با عفت در آیات متعددی مورد تأکید قرار گرفته‌اند؛ به‌عنوان‌مثال:

۱. حجاب و عفاف: در سوره‌ی نور (آیات ۳۰ و ۳۱)، به مردان و زنان مسلمان دستور داده‌شده است که از نگاه به نامحرمان خودداری کنند و به حجاب احترام بگذارند. این آیات می‌توانند اشاره‌ای به اهمیت عفت و حفاظت از خود و دیگران باشند.

۲. آموزش رفتار نیکو: در سوره‌ی لقمان (آیه‌ی ۱۳ تا ۱۹)، حضرت لقمان به فرزندش توصیه‌هایی راجع به رفتار نیکو و ترک شرک و بدی‌ها می‌کند. این آیات به‌نوعی نشان‌دهنده‌ی اهمیت آموزش صحیح ارزش‌ها به فرزندان است که می‌تواند شامل عفت نیز باشد؛ اما آیاتی که در این

پژوهش بررسی شده‌اند، آیاتی هستند که واژه‌ی عفت و یا مشتقات آن در متن آیه ذکرشده است و شامل چهار آیه هستند:

۴-۲-۱- آیه‌ی ۲۷۳ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره

«لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا بازمانده و ناتوان شده‌اند و توانایی آنکه در زمین بگردند (و کاری پیش گیرند) ندارند و از فرط عفاف چنان‌اند که هر کس از حال آنان آگاه نباشد، پندارد غنی و بی‌نیازند، به (فقر) آنان از سیمایشان پی می‌بری، هرگز چیزی از کسی درخواست نکنند؛ و هر مالی انفاق کنید خدا به آن آگاه است.»

۴-۲-۲- آیه‌ی ۶ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء

«وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا؛ یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی‌که بالغ شوند و قدرت بر نکاح پیدا کنند، آنگاه اگر آنان را دانا به درک مصالح زندگی خود یافتید، اموالشان را به آنان بازدهید و به اسراف و عجله مال آنان را حیف‌ومیل مکنید، بدین اندیشه که مبادا بزرگ شوند (و اموالشان را از شما بگیرند)؛ و هر کس (از اولیای یتیم) داراست، (از تصرف در مال او) خودداری کند و هر که فقیر است، (در مقابل نگهبانی او از مال یتیم) به‌قدر متعارف ارتزاق کند؛ پس آنگاه‌که مالشان را به آنان رد کردید، باید بر رد مال بر آنان گواه گیرید و گواهی خدا برای محاسبه‌ی خلق کافی است.»

۴-۲-۳- آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی نور

«وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و آنان که وسیله‌ی نکاح نیابند، باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنان را به لطف و فضل خود بی‌نیاز گرداند؛ و از بردگانتان، آنان که تقاضای مکاتبه کنند، (یعنی خواهند که خود را از مولا به مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند)، تقاضای آنان را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید، بپذیرید و (برای کمک به آزاد شدن آنان) از مال خدا که به شما اعطا فرموده (به‌عنوان زکات و صدقات در وجه مال المکاتبه) به آنان بدهید و کنیزکان خود را که مایل‌اند به عفت، زنهار برای طمع مال دنیا جبراً به زنا وادار مکنید که هر کس آنان را اکراه به زنا کند، خدا در حق آنان که مجبور بودند، بسیار آمرزنده و مهربان است (لیکن شما که آنان را به زنا مجبور

کنیـد، به‌جـای آنـان عقـاب خواهـد کـرد).»

۴-۲-۴- آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی مبارکه‌ی نور

«**وَالْقَوَاعِـدُ مِـنَ النِّسَـاءِ اللَّاتِـی لَا یرْجُـونَ نِکاحًـا فَلَیـسَ عَلَیهِـنَّ جُنَـاحٌ أَنْ یضَعْـنَ ثِیابَهُـنَّ غَیـرَ مُتَبَرِّجَـاتٍ بِزِینَـةٍ وَأَنْ یسْـتَعْفِفْنَ خَیـرٌ لَهُـنَّ وَاللَّـهُ سَـمِیعٌ عَلِیـمٌ**؛ و زنـان سـال‌خورده کـه (از ولادت و عـادت) بازنشسـته‌اند و امیـد ازدواج و نـکاح ندارنـد، بـر آنـان باکـی نیسـت، درصورتی‌کـه اظهـار تجمـلات و زینـت خـود نکننـد کـه جامه‌هـای خـود (یعنـی لباس‌هـای رو ماننـد عبـا و چـادر و روپـوش و امثـال آن) را نـزد نامحرمـان برگیرنـد و بـاز هـم عفـت و تقواگزینـی (و برنگرفـتن جامـه) بـر آنـان (در دیـن و دنیـا) بهتر اسـت و خـدا (بـه سـخنان خلـق) شـنوا و (بـه اغـراض و نیـات آنـان) آگاه اسـت.»

جدول شماره‌ی ۱. ماهیت تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآن

مصادیق	ماهیت و مبنای تربیت عفیفانه
«**وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ** (مائده: ۸۸)؛ و از خدایی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.»	مبنای تقوا و خوف الهی
«**وَ قُـلْ لِلْمُؤْمِنـاتِ یغْضُضْـنَ مِـنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا یبْدِیـنَ زِینَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْیضْرِبْـنَ بِخُمُرِهِـنَّ عَلی جُیوبِهِنَّ**» (نور: ۳۱).	مبنای حیا و پوشش
«**قُـلْ لِلْمُؤْمِنِیـنَ یغُضُّـوا مِـنْ أَبْصَارِهِـمْ وَ یحْفَظُـوا فُرُوجَهُـمْ ذٰلِـکَ أَزْکی لَهُـمْ** (نـور: ۳۰)؛ به مردان باایـمان بگـو چشـم‌های خـود را [از نـگاه بـه نامحرمـان] فروگیرند و دامانشـان را حفـظ کنند؛ این بـرای آنـان پاکیزه‌تر اسـت.»	مبنای خودکنترلی و پرهیز از نگاه حرام
«**...فَـلَا تَخْضَعْـنَ بِالْقَـوْلِ فَیطْمَـعَ الَّـذِی فِـی قَلْبِهِ مَـرَضٌ وَ قُلْـنَ قَـوْلًا مَعْرُوفًا** (احـزاب: ۳۲)؛ پس با نرمـی سـخن نگوییـد تـا آن کـه در قلبـش بیماری اسـت، طمـع نکند و سـخن پسـندیده بگویید.»	مبنای پرهیز از خلوت با نامحرم
«**وَ أَنْکحُـوا الْأَیامـی مِنْکـمْ وَ الصَّالِحیـنَ مِـنْ عِبادِکـمْ وَ إِمائِکـمْ إِنْ یکونُـوا فُقَـراءَ یغْنِهِـمُ اللَّـهُ مِنْ فَضْلِـهِ** (نـور: ۳۲)؛ و زنـان و مـردان بی‌شـوهر را همسر دهید و غلامان و کنیزان شایسـته‌تان [پیوند ازدواج برقـرار کنیـد]، اگـر تنگدسـت‌اند، خداونـد آنـان را از فضـل خـود بی‌نیاز خواهد سـاخت.»	مبنای ازدواج
«**یـا أَیهَـا الَّذِیـنَ آمَنُـوا قُوا أَنْفُسَـکمْ وَ أَهْلِیکمْ نَارًا** (تحریم: ۶)؛ ای کسـانی که ایـمان آورده‌اید، خود و خانواده‌ی خود را از آتشـی که سـوخت آن انسـان‌ها و سـنگ‌ها هسـتند، حفظ کنید.»	مبنای حفظ حریم‌های اخلاقی و اجتماعی

۴-۳- دلالت‌های تربیتی تربیت عفیفانه در قلمرو تعلیم و تربیت (اهداف، اصول و روش‌ها)

روش به‌کاررفتـه بـرای احصـای دلالت‌هـای تربیتـی در قلمـرو تعلیـم و تربیـت، روش اسـتنتاجی بـا اسـتفاده از الگـوی بازسازی‌شـده‌ی فرانکنـا اسـت؛ بنابرایـن، اهـداف تربیـت عفیفانـه برگرفتـه از مبانـی تربیـت عفیفانـه اسـت کـه در سـؤال اول بررسـی شـد، بدین‌صـورت کـه بـا اسـتفاده از قیـاس نظـری بـه اسـتنتاج اهـداف تربیـت عفیفانـه در قلمـرو تربیـت رسـمی پرداختـه اسـت.

۴-۳-۱- اهداف تربیتی تحقق تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآن

تربیت همانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، هدفی را دنبال می‌کند و نتیجه‌ی فعل و جهت‌دهنده‌ی افعال انسان است. تقسیم بر اساس ترتب طولی کلی‌ترین تقسیم‌بندی درباره‌ی اهداف است که به دو دسته‌ی اهداف غایی و واسطی تقسیم می‌شود. هدف غایی یا نهایی نقطه‌ی اصلی و مطلوب بالذات در زندگی و به‌عبارت‌دیگر، والاترین و بالاترین ارزش مطلوب در همه‌ی فعالیت‌ها است. هدف‌های تربیتی سه کارکرد دارد: ۱. رهبری فعالیت‌های تربیتی؛ ۲. ایجاد انگیزه در فرد؛ ۳. ارائه‌ی معیاری برای ارزیابی (پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰، ص ۵).

۴-۳-۱-۱- هدف غایی: رسیدن به سعادت و کمال

در معارف قرآنی، واژه‌ی سعادت اهمیت ویژه‌ای دارد. می‌توان علت این اهمیت را در جایگاه و نقش آن به‌عنوان نتیجه‌ی دیگر آموزه‌های نظری و عملی جستجو کرد. نویسنده التحقیق ضمن بیان عباراتی از قرآن کریم، بحث سعادت را به شکل کامل‌تری توضیح می‌دهد. این عبارات قرآنی عبارت‌اند از: «**يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ۞ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۞ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۞ وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ**» (هود: ۱۰۵ - ۱۰۸)؛ روز (رستاخیز) که فرا رسد، هیچ‌کس جز با رخصت او سخن نمی‌گویند؛ پس برخی بدبخت و برخی نیک‌بخت‌اند؛ اما کسان که بدبخت شدند، پس در آتش‌اند، درحالی‌که برای آنان در آنجا، فریاد و ناله‌ای است! و اما کسانی که نیکبخت شدند، در بهشت‌اند، درحالی‌که در آنجا تا هنگامی‌که آسمان‌ها و زمین برپاست، ماندگارند، جز آنچه پروردگارت بخواهد (این)، بخشش قطع ناشدن است.

بر اساس آیات بالا سعادت را دارای سه مرحله معرفی می‌کند: ۱. سعادت فطری: که به‌حسب اقتضا اسباب و علل به‌دست می‌آید؛ ۲ سعادت اکتسابی: به‌وسیله‌ی اعمال و عبادات و طاعات حاصل می‌شود؛ ۳. سعادت فعلی: این سعادت از دو مرحله‌ی قبلی به‌دست می‌آید که به‌صورت ثواب و یا عقاب در آخرت ظاهر می‌گردد؛ سپس می‌افزاید که تعبیر مجهول «سُعِددوا» نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که سعادت به توفیق الهی بستگی دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۱۲۸).

۴-۳-۱-۲- هدف میانی (وسطی)

۴-۳-۱-۲-۱- دست‌یابی همگان به فضیلت اخلاقی عفت

عفت یا پاک‌دامنی از فضائل اخلاقی، حالتی در وجود انسان است که آدمی را از انجام محرمات بازمی‌دارد. در روایات، عفت‌ورزی اساس هر خیری و معیار شیعه بودن معرفی‌شده است. عفت در کنار عدالت، شجاعت و حکمت، از پایه‌های بنیادین فضایل اخلاقی و حد واسط میان شَرَه (فرورفتن در شهوات) و خمودگی (دوری گزیدن از لذت‌های مشروع دنیوی) است. عفت در قرآن درباره‌ی امور اقتصادی و امور جنسی به‌کار رفته است. عفت جنسی، عفت در گفتار،

عفت مالی و عفت شکم از اقسام عفت بیان‌شده و آثاری مانند استحکام در خانواده، آرامش روانی جامعه و آمرزش گناهان برای آن ذکرشده است.

در ادامه آیات مربوط به عفاف آمده است:

«**وَرَاوَدَتْهُ الَّتِی هُوَ فِی بَیْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَیْتَ لَکَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّی أَحْسَنَ مَثْوَایَ إِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ** (یوسف: ۲۳)؛ و آن [زنی] که یوسف در خانه‌اش بود، از یوسف با نرمی و مهربانی خواستار کام‌جویی شد و [در فرصتی مناسب] همه‌ی درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توام]. یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است. جایگاهم را نیکوداشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی‌کنم] به‌یقین ستمکاران رستگار نمی‌شوند.»

«**وَالَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۞ إِلَّا عَلَی أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ ۞ فَمَنِ ابْتَغَی وَرَاءَ ذَلِکَ فَأُولَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ** (مومنون: ۵- ۷)؛ و آنان که نگه‌دارنده‌ی دامنشان [از شهوت‌های حرام] اند، مگر در [کام‌جویی از] همسران یا کنیزانشان که آنان [در این زمینه] مورد سرزنش نیستند.» در تفسیر المیزان ذیل این آیات (۵ تا ۷ سوره‌ی مؤمنون) آمده است، کلمه فروج جمع فرج است و به‌طوری‌که گفته‌اند، به معنای عورت زن و مرد است که از بردن نام آن شرم می‌کنند و حفظ فروج کنایه از اجتناب از مواقعه‌ی نامشرع است؛ از قبیل زنا یا لواط یا جمع شدن با حیوانات و امثال آن. «**إِلَّا عَلَی أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ**»؛ این جمله استثنا از حفظ فروج است. «ازواج» در اینجا به معنای زنان حلال و «مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ» به معنای کنیزان مملوک است و معنایش این است که مواقعه با زنان خود یا با کنیزان مملوک ملامت ندارد. «**فَمَنِ ابْتَغَی وَرَاءَ ذَلِکَ فَأُولَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ**»؛ این آیه تفریع است بر مطالب قبل؛ یعنی مستثنا و مستثنامنه و معنایش این است که وقتی مقتضی ایمان این شد که به‌کلی فروج خود را حفظ کنند، مگر تنها از دو طایفه از زنان؛ پس هر کس با غیر این دو طایفه ارتباط پیدا کند، متجاوز از حدود خدا شناخته می‌شود؛ حدودی که خداوند تعالی برای مؤمنان قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۱۱).

۴-۳-۱-۲-۲- سلامت روانی افراد در حفظ حجاب

در قرآن، برای تشریع حجاب و حدود آن، چند آیه وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. خداوند سبحان در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب می‌فرماید: «یاایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفوراً رحیما؛ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمن بگو خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و آزار نبینند؛ و خداوند بخشنده و مهربان است.» در این آیه‌ی شریفه «جلاب» آمده است که به معنای پوشش سراسری است. علامه طبرسی در ذیل این آیه چنین می‌نویسد، بنگرید؛ جلاب عبارت از روسری بلندی است که هنگام خارج شدن از خانه، زنان به‌وسیله‌ی آن سر و صورت خود را می‌پوشانند. مقصود این است که با روپوشی که زن بر تن می‌کند، محل گریبان و گردن را بپوشاند. بیشتر لغت‌شناسان

جلاب را چیزی شبیه به چادر معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۲). کلمات دیگری نیز در آیه‌ی فوق به‌کار رفته است؛ مانند جیب و خمار. تحقیق در آن‌ها نشان می‌دهد، قرآن چه اندازه در تبیین حدود حجاب زنان، دقیق و جامع سخن گفته است. از سیاق و روح این آیه‌ی شریفه می‌توان دریافت که بخش مهمی از امنیت اجتماعی و روحی زنان و ایمنی از آزار ناکسان در گرو پوشش است؛ همچنین در سوره‌ی نور، به‌تفصیل درباره‌ی حجاب و حرمت نگاه به نامحرمان سخن به میان آمده است.

۴-۳-۱-۲-۳- تحقق حیا و خویشتن‌داری در فرد

صفت حیا یکی از صفات انسانی و الهی است که در آموزه‌های دینی دارای جایگاه خاصی است و رابطه‌ی تنگاتنگی باایمان دارد. کلمه‌ی حیا در لغت به معنای شرم است و با توجه به تعاریف بیان‌شده، حیا زمانی ایجاد می‌شود که فرد حضور شخص یا اشخاص دیگری را حس کند که این اشخاص ناظر بر اعمال انسان هستند و شامل حیا از خدا، امام، فرشتگان و حیا از خود و دیگران است. از نظر برخی صاحب‌نظران، حیا به دو دسته‌ی حیای نفسانی و حیای ایمانی تقسیم می‌شود. حیای نفسانی به جنسیت وابسته است و هنگامی‌که کم‌رنگ می‌شود، زنان را بیش از مردان درگیر مشکلات می‌کند و خودآرایی و تبرج و جلوه‌گری زنان به جامعه کشیده می‌شود. حیای ایمانی بالاتر از حیای نفسانی است. هرچه ایمان فرد قوی‌تر شود، این حیا نیز در او بیشتر می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۴۲).

دقت در معنای لغوی و موارد استعمال نشان می‌دهد، این دو معنا لازم و ملزوم یکدیگرند. کسی که حیا دارد، عفت می‌ورزد و کسی که عفیف است، دامن خود را آلوده نمی‌کند و از گناه و معصیت شرم دارد. بی‌حیایی همان بی‌عفتی است و به انسانی که پاک‌دامن نیست، بی‌حیا می‌گویند.

جدول شماره‌ی ۲. گزاره‌های توصیفی و گزاره‌های تجویزی (اهداف غایی و وسطی)

گزاره‌ی توصیفی (مبنا)	گزاره‌ی تجویزی (اهداف)
پاک‌دامنی انسان را به سعادت می‌رساند.	دست‌یابی به سعادت و کمال
عفت و پاک‌دامنی از فضایل اخلاقی است.	دست‌یابی همگان به فضیلت اخلاقی عفت
حجاب در امان ماندن از نگاه‌های شیطانی است.	سلامت روانی افراد در حفظ حجاب
تقوا و ترس از خدا در هنگام گناه	تحقق حیا و خویشتن‌داری در فرد

۴-۳-۲- اصول تربیتی تحقق تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآن

مقصود از اصول دستورالعمل‌های کلی هستند که در فرایند تربیت رسمی و عمومی برای تحقق تربیت عفیفانه باید مطمح نظر مربیان و متربیان قرار گیرد.

۴-۳-۲-۱- اصل اول: اصل تقویت ایمان و تقوا

اولین اصل از اصول تربیت عفیفانه که استخراج گردید، اصل تقویت ایمان و تقوا است که از دو مقدمه‌ی توصیفی و تجویزی بدان رسیدیم و مبتنی بر آموزه‌های قرآن استخراج‌شده است: ۱. گزاره‌ی توصیفی (مبنا): نهایت کمال انسانی سعادت است؛ ۲. گزاره‌ی تجویزی (هدف): سعادت آدمی تنها از طریق تقوا می‌تواند تحقق یابد؛ ۳. گزاره‌ی تجویزی (اصول): تقویت ایمان و تقوا.

توضیح اصل: این اصل برگرفته از هدف تربیتی «سعادت آدمی تنها از طریق تقوا تحقق می‌یابد» استنتاج شده است.

۴-۳-۲-۲- اصل دوم: تعادل در قوا و دوری از افراط‌وتفریط

دومین اصل از اصول تربیت عفیفانه تعادل در قوا و دوری از افراط‌وتفریط است که از دو مقدمه‌ی توصیفی و تجویزی گرفته‌شده است: ۱. گزاره‌ی توصیفی (مبنای معرفت‌شناسانه): عفت رعایت توازن، تناسب، اعتدال و در نظر گرفتن حد وسط در امور است؛ ۲. گزاره‌ی تجویزی (هدف میانی تربیتی): فرد و جامعه‌ی عادل باید در امور خویش میانه‌روی داشته باشند؛ ۳. گزاره‌ی تجویزی (اصول تربیتی): تعادل در قوا و دوری از افراط‌وتفریط.

توضیح اصل: خداوند در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: «**زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ**؛ برای مردم حب شهوات نفسانی از میل به زنان و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسبان نشان‌دار چابک و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و فریباست؛ اما این‌ها متاع زندگانی زودگذر دنیاست و منزل بازگشت نیکو نزد خداست.» شاهد ما در رابطه با صدر آیه است: برای مردم محبت به شهوات زینت داده‌شده است. محبت به شهوات مصادیق گوناگونی دارد و یکی از مصادیق آن شهوت جنسی به زنان است. این آیه در مقام مذمت اصنافی از انسان‌ها است: گروه اول انسان‌های شهوت‌ران که همیشه دنبال شهوات جنسی با زنان هستند؛ گروه دوم کسانی هستند که فرزندان بسیاری می‌آورند و از نیروی بازوی فرزندان برای افزایش مال و از کثرت آنان برای فخرفروشی استفاده می‌کنند؛ صنف دیگر دنبال مال‌اندوزی و زراندوزی هستند و همیان‌هایی از طلا و نقره را پر می‌کنند و دائماً درصدد جمع‌آوری طلا، نقره و اموال هستند؛ گروه دیگر از اسب‌های نشانه‌دار برای تفریح، بازی و سرگرمی استفاده می‌کنند؛ گروهی نیز به افزایش دام و جمع‌آوری گاو، گوسفند، شتر و دیگر انعام می‌پردازند، بدون اینکه زکات آن‌ها را پرداخت کنند؛ گروه دیگر برای افزایش زمین و زراعت، میل فراوانی به خرید زمین و زمین‌خوارگی دارند (طباطبائی، ۱۳۹۶، ج ۸، ص ۱۵۹).

۴-۳-۲-۳- اصل سوم: یادآوری پیامدهای بی‌عفتی

سومین اصل از اصول تربیت عفیفانه اصل یادآوری پیامدهای بی‌عفتی هست که از دو مقدمه‌ی توصیفی و تجویزی گرفته‌شده است: ۱. گزاره‌ی توصیفی (مبنای معرفت‌شناسانه): کسانی که دوست

دارنـد زشـتی در میـان مؤمنـان رواج یابـد، بـرای آنـان عذابـی دردنـاک خواهـد بـود؛ ۲. گـزاره‌ی تجویـزی (هـدف میانـی تربیتـی): آگاهـی از عواقـب بی‌عفتـی عامـل بازدارنـده بـرای افـراد اسـت؛ ۳. گـزاره‌ی تجویـزی (اصـول تربیتـی): یـادآوری پیامدهـای بی‌عفتـی.

توضیـح اصـل: بی‌عفتـی بـه معنـای رفتـاری وقیحانـه، یکـی از ناهنجـاری بـارز اجتماعـی اسـت کـه می‌توانـد آسـیب جـدی بـه همـه‌ی بخش‌هـای اجتـماع وارد سـازد و آن را از حرکـت به‌سـوی اهـداف و مقاصـد عالـی بـازدارد؛ ازایـن‌رو، خداونـد در آیاتـی چنـد بـه نقـد رفتارهـای وقیحانـه می‌پـردازد و بـا تأکیـد بـر عفـت، از مؤمنـان می‌خواهـد بـرای سـاخت امـت و جامعـه‌ی برتـر در مسـیر رفتارهـای هنجـاری حرکـت کننـد.

ازآنجاکـه انسـان عفیـف مدیریـت وجـود خـود را بـه عقـل می‌سـپارد و عقـل او را به‌سـوی رفتارهـای میانـه و معتـدل رهنمـون می‌سـازد، رفتارهـای چنیـن شـخصی همـواره بـر اسـاس اصـول عقلانـی خواهـد بـود و بـه دور از امـور و اعـمال صالـح و پسـندیده نیسـت. این‌چنیـن اسـت کـه عفـت نفـس به‌عنـوان یـک ارزش موردتوجـه خـرد و خردمنـدان قـرار می‌گیـرد و شرع مقـدس نیـز بـر آن صحـه می‌گـذارد. ازجملـه مـواردی کـه در آن عفـت نفـس به‌عنـوان یـک ارزش تمجیـد شـده اسـت، می‌تـوان بـه آیاتـی چـون ۲۷۳ سـوره‌ی بقـره، ۲۹ تـا ۳۳ سـوره‌ی یوسـف همچنیـن ۴۶ تـا ۵۲ همیـن سـوره و آیـه‌ی ۴ سـوره‌ی نـور اشـاره کـرد.

خـدا در آیـه‌ی ۵۶ سـوره‌ی یوسـف، بـر ایـن نکتـه تأکیـد می‌کنـد کـه دسترسـی بـه مقـام احسـان کـه مقامـی بسـیار ارجمنـد و بـزرگ در نـزد اوسـت، بـا عفـت نفـس ممکـن خواهـد بـود؛ بـه ایـن معنـا کـه یکـی از راه‌هـای دسـتیابی بـه مقـام احسـان، بهره‌گیـری از حالـت عفـت نفـس و پاک‌دامنـی اسـت. در ایـن آیـه بیـان می‌کنـد، چگونـه حـضرت یوسـف(ع) بـا پاک‌دامنـی و حفـظ نفـس خـود از ارتـکاب اعـمال وقیحانـه توانسـت بـه مقـام احسـان برسـد و بـه جرگـه‌ی محسـنان بپیونـدد.

بنابرایـن می‌تـوان گفـت، بی‌عفتـی و وقاحـت در رفتارهـا به‌ویـژه اجتماعـی، بـه معنـای دور شـدن از ارزش‌هـای عقلانـی و شرعـی و از دسـت دادن مقامـات انسـانی ازجملـه مقـام احسـان اسـت؛ ازایـن‌رو، خداونـد در آیـات مختلـف، بـه نقـد رفتارهـای وقیحانـه می‌پـردازد و بی‌عفتـی را عامـل بسـیاری از آثـار سـوء می‌دانـد.

۴-۳-۲-۴- اصل چهارم: دوری از محیط‌های ناسالم

چهارمیـن اصـل از اصـول تربیـت عفیفانـه اصـل دوری از محیط‌هـای ناسـالم هسـت کـه از دو مقدمـه‌ی توصیفـی و تجویـزی گرفته‌شـده اسـت: ۱. گـزاره‌ی توصیفـی (مبنـای معرفت‌شناسـانه): «در سرزمیـن پاکیـزه (و شـیرین)، گیاهـش به‌فرمـان پـروردگار می‌رویـد؛ امـا سرزمین‌هـای بدطینـت (و شـوره‌زار) جـز گیـاه بـی‌ارزش و ناچیـز نمی‌رویـد»؛ ۲. گـزاره‌ی تجویـزی (هـدف میانـی تربیتـی): انسـان در تعاملـی دائـم بـا محیـط اجتـماع اسـت و عنـاصر آن پیوسـته بـرای سـازندگی یـا ویرانگـری شـخصیت افـراد عمـل می‌کنـد؛ ۳. گـزاره‌ی تجویـزی (اصـول تربیتـی): دوری از محیط‌هـای ناسـالم.

توضیـح اصـل: بی‌شـک وضـع محیـط اجتماعـی اثـر فوق‌العـاده‌ای در روحیـات و اعـمال انسـان

خواهـد داشـت؛ زیـرا او بسـیاری از صفـات خـود را از محیـط کسـب می‌کنـد. محیط‌هـای پـاک غالبـاً افـراد پـاک پـرورش می‌دهنـد و محیط‌هـای آلـوده غالبـاً افـراد آلـوده. درسـت اسـت کـه انسـان می‌توانـد در محیـط ناپـاک، پـاک زندگـی کنـد و برعکـس، در محیط‌هـای پـاک، مسـیر ناپاکـی را طـی کنـد و بـه تعبیـر دیگـر، شرایـط محیـط علـت تامـه در خوبـی و بـدی افـراد نیسـت؛ امـا تأثیـر آن را به‌عنـوان یـک عامـل مهـم زمینه‌سـاز نمی‌تـوان انـکار کـرد. ممکـن اسـت کسـانی قائـل بـه جـبر محیـط باشـند، هرچنـد مـا جـبر را در همـه‌ی اشـکال آن نفـی می‌کنیـم؛ امـا تأثیـر ژرف عوامـل زمینه‌سـاز را هرگـز انـکار نخواهیـم کـرد.

قرآن کریـم در قالـب تمثیلـی نغـز، تأثیـر محیـط در اعـمال و کـردار انسـان را چنیـن بـه تصویـر کشـیده اسـت: «**وَالْبَلَـدُ الطَّیِّـبُ یَخْـرُجُ نَبَاتُـهُ بِـإِذْنِ رَبِّـهِ وَالَّـذِی خَبُـثَ لاَ یَخْـرُجُ إِلاَّ نَکِـدًا...** (الأعـراف: ۵۸)؛ سرزمیـن پاکیـزه (و شـیرین)، گیاهـش به‌فرمـان پـروردگار می‌رویـد؛ امـا سرزمین‌هـای بدطینـت (و شـوره‌زار) جـز گیـاه ناچیـز و بـی‌ارزش از آن نمی‌رویـد.» در ایـن مثـال، انسـان‌ها بـه گیـاه تشـبیه شـده‌اند و محیـط زندگـی آنـان بـه زمین‌هـای شـور و شـیرین. در یـک محیـط آلـوده، پـرورش انسـان‌های پـاک مشـکل اسـت.

جدول شماره‌ی ۳. اصول تربیت عفیفانه بر مبنای گزاره‌های توصیفی و تجویزی آموزه‌های قرآن

گزاره‌ی توصیفی (مبانی)	گزاره‌ی تجویزی (اهداف)	اصول تربیتی
سعادت نهایت کمال انسانی است.	سـعادت آدمـی تنهـا از طریـق تقـوا می‌توانـد تحقـق یابـد.	تقویت ایمان و تقوا
عفـت، رعایـت تـوازن، تناسـب، اعتدال و در نظـر گرفـتن حـد وسـط در امـور است.	فـرد و جامعـه‌ی عفیـف بایـد در امـور خویـش میانـه‌روی داشـته باشـند.	تعادل در قوا و دوری از افراط‌وتفریط
کسـانی کـه دوسـت دارنـد زشـتی در میـان مؤمنـان رواج یابـد، بـرای آنـان عذابـی دردنـاک خواهـد بـود.	آگاهـی از عواقـب بی‌عفتـی عامـل بازدارنـده بـرای افـراد اسـت.	یادآوری پیامدهای بی‌عفتی
سرزمیـن پاکیـزه (و شـیرین)، گیاهـش بـه فرمـان پـروردگار می‌رویـد؛ امـا سرزمین‌های بدطینت (و شـوره‌زار) جز گیـاه ناچیـز و بـی‌ارزش از آن نمی‌روید.	انسـان در تعاملـی دائـم بـا محیـط اجتماع اسـت و عناصر آن پیوسـته برای سـازندگی یـا ویرانگـری شـخصیت افراد عمـل می‌کنـد.	دوری از محیط‌های ناسالم

۴-۳-۳- روش‌های اجرا و تحقق تربیت عفیفانه

روش‌هـا گزاره‌هـای تجویـزی هسـتند کـه در عرصـه‌ی عمـل می‌توانـد هدایت‌کننـده‌ی فراینـد آمـوزش و متصدیـان تعلیـم و تربیـت واقـع گردنـد. روش‌هـای تربیتـی استخراج‌شـده از دو مقدمـه‌ی توصیفـی و تجویـزی (اهـداف و اصـول) اسـتنتاج گردیـده اسـت. درواقـع، مقدمـه‌ی کـبرا هـمان اهـداف تربیتـی اسـت و مقدمـه‌ی صغـرا کـه تجویـزی اسـت، هـمان اصـول تربیتـی استخراج‌شـده اسـت. تـلاش شـده اسـت، روش‌هـا ناظـر بـه عرصـه‌ی تربیـت رسـمی عمومـی و مبتنـی بـر اصـول تربیتـی بیان‌شـده شناسـایی گردنـد.

۴-۳-۳-۱- روش

مقدمه‌ی اول (اهداف): سعادت آدمی تنها از طریق تقوا می‌تواند تحقق یابد.

مقدمه‌ی دوم (اصول تجویزی تربیتی): تقویت ایمان و تقوا

نتیجه (روش تربیتی): تزکیه‌ی نفس

۴-۳-۳-۱-۱- روش تزکیه‌ی نفس

تزکیه به معنی پاک کردن است؛ یعنی زدودن ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها که شامل زدودن عقاید فاسد مانند شرک و کفر و ملکات زشت اخلاقی مانند بخل و کبر و اعمال و کارهای ناپسند مثل قتل و زنا و شرب خمر می‌شود. علامه طباطبایی می‌فرماید: سلامت و تندرستی قلب عبارت است از ثبات و پایداری‌اش در مسیر فطرت و ملازمت با راه راست که برمی‌گردد به خلوصش در توحید و اتکایش به خدا در مقابل هر آنچه هوای انسان به او تعلق می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۳۷۸). ز این تحلیل می‌توان دو نتیجه گرفت: اول، فلاح و رستگاری انسان ارتباط نزدیکی با قلب و نقش مدیریتی آن دارد؛ زیرا قلب اصل و اساس هستی انسان به‌شمار می‌آید و همه‌ی نیروها و کشش‌ها در خدمت وی قرار داده‌شده است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَاتِ وَ إِنَّمَا لِإِمْرِئٍ مَا نَوَى» (حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۴۸).

روش تزکیه یک فرایند دوبعدی است که یک بعد آن مربوط به قلب است و با آگاهی سروکار دارد. هر چه بیشتر در معرض حقایق قرار گیرد، فطرت حقیقت‌یاب و حقیقت‌گرایش تقویت خواهد شد و از جهل و تزیین فاصله می‌گیرد و درنتیجه، تصمیم درست خواهد گرفت. بُعد دیگر مربوط به هواهای نفس و شهوات است که باید تضعیف گردد تا حاکمیت و سلطه‌اش بر قلب کاسته شود که این کار با دو روش صورت می‌گیرد: ۱. ضدیت با هواها و شهوات یا به تعبیر دیگر تشویق به اقدام متضاد که باعث تضعیف حاکمیت و سلطه هواها می‌گردد؛ ۲. از بین بردن زمینه‌ی تحریک‌کنندگی هواها که نماد آن کنترل بر اعضا و قوه‌ی خیال است.

آیه کریمه‌ی زیر شاید بیان‌کننده‌ی هر دو بعد باشد، آنجا که می‌فرماید: «**وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى*فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى** (نازعات: ۴۱-۴۰)؛ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا بازدارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.» خوف از مقام رب نماد مواجهه با حقیقت است و نهی نفس مظهر جلوگیری از سلطه‌ی کشش‌ها.

مقدمه‌ی اول (اهداف): فرد و جامعه‌ی عفیف باید در امور خویش میانه‌روی داشته باشند.

مقدمه‌ی دوم (اصول تجویزی تربیتی): تعادل در قوا و دوری از افراط‌وتفریط.

نتیجه (روش تربیتی): کنترل نگاه و حیای درونی.

۴-۳-۳-۱-۲- روش کنترل نگاه و حیای درونی

مسئله‌ی نگاه از کلیدی‌ترین مسائل در تنظیم روابط پاک و سالم میان زنان و مردان است. قرآن مجید پیش از دستور به پوشش، ابتدا فرمان به کاستن و فرونهادن نگاه می‌دهد؛ زیرا که قلب

و درون انسان‌ها به‌شدت از دیدگان تأثیر می‌پذیرند. نگاه نقطه‌ی آغازین در کشش‌های جنسی میان زن و مرد است و کسانی که قادر باشند نگاه خویش را مهار کنند، دریچه‌ی قلب و درون خویش را تحت کنترل درآورده‌اند و از انواع پیامدهای انحرافی در روابط زن و مرد مصون خواهند ماند؛ بنابراین، برای سالم‌سازی محیط جامعه باید به زمینه‌ی نگاه و عواملی که بستر نگاه‌های تحریک‌آمیز را فراهم می‌کنند، توجه کرد و با فرهنگ‌سازی و اتخاذ سیاست‌های لازم در روابط اجتماعی، برای کاهش نگاه‌های جنسی گام برداشت. نقش رسانه‌های عمومی دراین‌باره بسیار اساسی و تعیین‌کننده است (طباطبائی، ۱۳۹۶، ج ۸، ص ۷۴).

بنابراین، دستور به کنترل نگاه خطاب به انسان‌های باایمان است. از این نظر، کنترل نگاه و کاستن از نگاه در روابط جنسی جامعه از لوازم ایمان به خدا و رسول اوست. در جامعه‌ی الهی و اسلامی مطلوب، مسائل جنسی در حریم و چارچوب خاص قرار دارند و حفظ و پوشاندن دامان از محدوده‌ی نگاه دیگران از نشانه‌های عفت و حیا در میان انسان‌های مؤمن است. کنترل و محدودسازی نگاه و پوشاندن دامان فرمان خاص مردان نیست، زنان نیز باید نگاه خویش را از مردان نامحرم برگیرند.

مقدمه‌ی اول (اهداف): آگاهی از عواقب بی‌عفتی عامل بازدارنده برای افراد است.

مقدمه‌ی دوم (اصول تجویزی تربیتی): یادآوری پیامدهای بی‌عفتی.

نتیجه (روش تربیتی): آگاهی‌بخشی.

۴-۳-۳-۱-۳- روش آگاهی‌بخشی

آگاهی و بینش در تربیت و پرورش نقش اساسی دارد. «قد جآءکم بصآئر من ربکم فمن ابصر فلنفسه ومن عمی فعلیها ومآ انا علیکم بحفیظ (انعام: ۱۰۴)؛ دلایل روشن از سوی پروردگارتان برای شما آمد. کسی که (به‌وسیله‌ی آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش است و من نگاهبان شما نیستم و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم.» راغب اصفهانی بر آن است که تربیت دگرگون کردن گام‌به‌گام و پیوسته‌ی هر چیز است تا آنگاه‌که به انجامی برسد که آن را سزد. تربیت از ریشه‌ی «رب، یرب» در معنی زیر آمده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، به تعالی و کمال رساندن، به اعتدال رساندن و استوار و متین کردن است (راغب اصفهانی، ۵۰۲، ص ۱۸۴)

«قال لقد علمت مآ انزل هؤلاء الا رب السموت والارض بصآئر وانی لاظنک یفرعو ن مثبورا (اسرا: ۱۰۲)؛ (موسی) گفت: تو می‌دانی این آیات را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین- برای روشنی دل‌ها- نفرستاده است و من گمان می‌کنم ای فرعون، تو (به‌زودی) هلاک خواهی شد.»

مقدمه‌ی اول (اهداف): انسان دائماً در تعامل با محیط اجتماع است و عناصر آن پیوسته برای ویرانگری یا سازندگی شخصیت افراد عمل می‌کند.

مقدمه‌ی دوم (اصول تجویزی تربیتی): دوری از محیط‌های ناسالم.

نتیجه (روش تربیتی): سالم‌سازی جامعه از آلودگی‌های اخلاقی.

۴-۳-۳-۲- توضیح روش

روش‌ها و راهکارهای گوناگونی برای مبارزه با انحرافات و آلودگی‌های اخلاقی و زدودن مظاهر فساد و تباهی قابل‌ارائه است. در این مقاله، محقق از دیدگاه داستان‌های قرآن به این موضوع می‌نگرد و از میان این داستان‌ها، روش‌هایی را که زمینه‌های لازم برای سالم‌سازی محیط فراهم می‌آورد، بیان می‌دارد. مهم‌ترین این روش‌های تربیتی عبارت‌اند از:

۴-۳-۳-۲- ۱- ریشه‌یابی آلودگی‌ها و رذایل

بدیهی است تا زمانی که کانون‌های فساد و تباهی در جامعه‌ای به اشاعه‌ی میکروب‌های گناه مشغول هستند و روح و روان انسان‌ها را با تیغ‌های زهرآگینی که بر سَرِ راه هدایت کاشته‌اند، مجروح و مسموم می‌سازند، نمی‌توان انتظار داشت که افراد آن جامعه به سعادت و فلاح دست یابند و به تعبیری، تا زمانی که باتلاق متعفن گناهان و رذایل اخلاقی خشک نشده باشد، گُل‌های زیبا و معطر فضائل اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی در بوستان جامعه پرورش نخواهد یافت؛ ازاین‌رو، غفلت از ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش انحرافات و آلودگی‌ها و پرداختن به حواشی و فعالیت‌های غیرضروری کاری عبث و بیهوده و به‌اصطلاح، نقش بر آب زدن است.

۴-۳-۳-۲-۲- اصلاح تدریجی

اساساً هیچ حرکت تربیتی و اصلاحی جز در بستر مناسب و با روند تدریجی، جز با رعایت توانایی‌های افراد به سامان نخواهد رسید. در این زمینه، برای همه‌ی مصلحان و مبلغان، سرگذشت عبرت‌آموز حضرت یونس(ع) می‌تواند دربردارنده‌ی درس‌ها و پیام‌های راهگشا باشد. آن حضرت باآنکه سال‌ها در میان قوم خود «در سرزمین نینوا در عراق» به دعوت و تبلیغ مشغول بود؛ اما ازآنجاکه می‌دید آه گرمش در آهن سرد آن جماعت اثر نمی‌بخشد و ارشادهایش در دل آنان مؤثر نمی‌افتد، خشمگین شد و پس از آنکه قوم خود را نفرین نمود و تقاضای عذاب الهی برایشان کرد، آنان را ترک گفت. عجیب آنکه خداوند این پیامبر بزرگ الهی را به‌سبب این ترک اَولیٰ و به علت کم‌طاقتی در راه اصلاح و تربیت قوم خود به «بنده‌ای فراری» تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «**إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ** (الصّافّات: ۱۴۰): به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیت و بار) فرار کرد.»

۴-۳-۳-۲-۳- امربه‌معروف و نهی از منکر

امربه‌معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که نقش بسزایی در احیای خوبی‌ها، سالم‌سازی محیط، حذف و طرد آلودگی‌ها و امور ناپسند از محیط جامعه ایفا می‌کند. قرآن کریم کسانی را که نسبت به فساد محیط خود بی‌تفاوت باشند و نسبت به اعمال زشت دیگران حساسیتی به خرج نمی‌دهند، مطرود و ملعون انبیا خوانده است، آنجا که می‌فرماید: «**لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُواْ**

يَعْتَدُونَ * كَانُواْ لاَ يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ (المائده: ۷۸ ـ ۷۹)؛ کافران بنی‌اسرائیل بر زبان داوود و عیسی‌بن‌مریم، لعن (و نفرین) شدند. این به‌سبب آن بود که گناه کردند و تجاوز می‌نمودند. * آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند. چه بدکاری انجام می‌دادند.»

جدول شماره‌ی ۴. روش‌های تحقق تربیت عفیفانه بر مبنای اهداف و اصول تربیتی استنتاج‌شده از آموزه‌های قرآن

گزاره‌ی توصیفی (اهداف تربیتی)	گزاره‌ی تجویزی (اصول تربیتی)	گزاره‌ی تجویزی (روش تربیتی)
سعادت آدمی تنها از طریق تقوا می‌تواند تحقق یابد.	تقویت ایمان و تقوا	روش تزکیه‌ی نفس
فرد و جامعه عفیف باید در امور خویش میانه‌روی داشته باشند.	تعادل در قوا و دوری از افراط‌وتفریط	روش کنترل نگاه و حیای درونی
آگاهی از عواقب بی‌عفتی عامل بازدارنده برای افراد است.	یادآوری پیامدهای بی‌عفتی	روش آگاهی‌بخشی
عناصر انسان پیوسته برای سازندگی یا ویرانگری شخصیت افراد عمل می‌کند.	دوری از محیط‌های ناسالم	روش سالم‌سازی جامعه از آلودگی‌های اخلاقی

۵- نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر به‌منظور تبیین ماهیت و تحقق تربیت عفیفانه بر اساس آموزه‌های قرآن در قلمرو تعلیم و تربیت صورت گرفت. بدیدن منظور، دو پرسش پژوهشی مطرح شد: ۱. ماهیت تربیت عفیفانه در آموزه‌های قرآن چیست؟ ۲. تربیت عفیفانه بر اساس آموزه‌های قرانی چگونه محقق می‌شود؟ برای پاسخ به پرسش اول از روش تحلیل مفهومی استفاده گردید. یافته‌ها بیان‌کننده‌ی آن بود که در آموزه‌های قرآن، تربیت عفیفانه فرایندی جامع و چندبعدی و هدف آن پرورش انسان‌هایی است که در همه‌ی ابعاد زندگی خود ازجمله اندیشه، گفتار، رفتار و روابط، عفت و پاک‌دامنی را رعایت کنند؛ همچنین نتایج پژوهش به شناسایی مبانی تربیت عفیفانه منجر شد که شامل این موارد است: ۱. مبنای تقوا و خوف الهی؛ ۲. مبنای حیا و پوشش؛ ۳. مبنای خودکنترلی و پرهیز از نگاه حرام؛ ۴. مبنای پرهیز از خلوت با نامحرم؛ ۵. مبنای ازدواج؛ ۶. مبنای تربیت خانوادگی و ایجاد محیط سالم در آموزه‌های قرآنی. در ادامه، برای پاسخ به پرسش دوم، از الگوی بازسازی‌شده‌ی فرانکنا در استخراج اهداف، اصول و روش‌های تربیت عفیفانه بر اساس آموزه‌های قرآن استفاده گردید که به‌ترتیب به شناسایی هدف غایی رسیدن به سعادت و کمال و اهداف سه‌گانه‌ی میانی منجر شد و شامل این موارد است: الف. دستیابی همگان به فضیلت اخلاقی عفت؛ ب. سلامت روانی افراد در حفظ حجاب؛ ج. تحقق حیا و خویشتن‌داری در فرد. در مرحله‌ی بعد، به استخراج اصول تربیت عفیفانه بر اساس آموزه‌های قرآن پرداخته شد. برای دستیابی به این اصول، اغلب از استنتاج پیش‌رونده استفاده گردید که این اصول شامل این موارد است: ۱. اصل تقویت ایمان

و تقـوا؛ ۲. اصـل تعـادل در قـوا و دوری از افراط‌وتفریـط؛ ۳. اصـل یـادآوری پیامدهـای بی‌عفتـی؛ ۴. اصـل دوری از محیط‌هـای ناسـالم. در بخـش بعـدی، بـه روش‌هـا پرداختـه شـد کـه در عرصـه‌ی عمـل می‌تواننـد هدایت‌کننـده‌ی فـرد در آمـوزش و تربیـت رسـمی باشـند و روش‌هـا به‌ترتیـب شـامل ۱. روش تزکیـه‌ی نفـس، ۲. روش کنـترل نـگاه و حیـای درونـی، ۳. روش آگاهی‌بخشـی و ۴. روش سالم‌سـازی جامعـه از آلودگی‌هـای اخلاقـی بـود کـه مـورد آخـر شـامل سـه بخـش ریشـه‌یابی آلودگی‌هـا، اصـلاح تدریجـی و امربه‌معـروف و نهـی از منکـر اسـت. دسـتاورد دیگـر پژوهـش حـاضر آن بـود کـه تربیـت عفیفانـه مطابـق آموزه‌هـای قـرآن در ابعـاد مختلـف رفتـاری و گفتـاری و عملـی قابـل تحقـق و دسـته‌بندی اسـت.

به‌طورکلـی می‌تـوان اذعـان کـرد، تربیـت عفیفانـه در قـرآن کریـم مجموعـه‌ای از اصـول اخلاقـی، رفتـاری و اجتماعـی را در برمی‌گیـرد کـه هـدف آن ایجـاد جامعـه‌ای سـالم و پایـدار اسـت. قـرآن کریـم بـا ارائـه‌ی راهکارهایـی ماننـد کنـترل نـگاه، رعایـت پوشـش مناسـب، پرهیـز از روابـط ناپسـند، حفـظ عفت در گفتـار و توصیـه بـه ازدواج، چارچوبـی جامـع بـرای دسـتیابی بـه عفـت فـردی و اجتماعـی ترسـیم می‌کنـد. در ایـن چارچـوب، عفـت نه‌تنهـا یـک فضیلـت فـردی، بلکـه یـک اصـل اجتماعـی اسـت کـه بـا ایجـاد مرزهـای اخلاقـی بـه کاهـش انحرافـات، تقویـت بنیـان خانـواده و افزایـش آرامـش روانـی افـراد کمـک می‌نمایـد.

یافته‌هـای پژوهش‌هـای معـاصر نیـز نشـان می‌دهـد، رعایـت اصولـی مشـابه بـا آموزه‌هـای قرآنـی تأثیـر مثبتـی بـر سـلامت روان و ثبـات اجتماعـی دارد. مطالعـات انجام‌شـده در حـوزه‌ی روان‌شناسـی اجتماعـی بیان‌کننـده‌ی ایـن اسـت کـه کنـترل نـگاه و محـدود کـردن مواجهـه بـا محرک‌هـای نامناسـب، موجـب کاهـش اسـترس، بهبـود روابـط میان‌فـردی و افزایـش رضایـت از زندگـی می‌شـود. از سـوی دیگـر، تحقیقـات جامعه‌شناسـی نیـز نشـان می‌دهـد، جوامعـی کـه در آن‌هـا هنجارهـای اخلاقـی دربـاره‌ی پوشـش و روابـط اجتماعـی رعایـت می‌گـردد، سـطح پایین‌تـری از ناهنجاری‌هـای اجتماعـی ماننـد آزارهـای جنسـی و خیانـت را تجربـه می‌کننـد.

منابع

- قرآن کریم.
- آرمده، مهدی؛ «تربیت جنسی در خانواده از منظر قرآن و روایات»؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد قرآن و حدیث، استاد راهنما: محمود خونمری، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، ۱۴۰۲ ش.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴ ق.
- الطاف، حسین؛ راهکارهای قرآن کریم در حل بحران‌های جنسی؛ قم: جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره)، مدرسه عالی قرآن و حدیث، ۱۴۰۱ ش.
- باقری، خسرو؛ درآمدی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸ ش.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه؛ رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹ ش.
- پور موسوی، سید احمد؛ ناصری کریم‌وند، امان‌الله؛ «عوامل تربیت در قرآن کریم از دیدگاه استاد قرائتی در تفسیر نور»؛ پویش در علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، شماره‌ی ۲۰، ۱۳۹۹ ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ تصحیح سید مهدی رجایی؛ قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جمعی از نویسندگان؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰ ش.
- جعفری، طاهره؛ ابراهیمی، فاطمه‌سادات؛ «راهکارهای مدیریت عفت از منظر قرآن کریم»؛ مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱۷، ۱۴۰۱ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر انسان به انسان؛ قم: اسراء، ۱۳۹۵ ش.
- ـــــــــــــ؛ ادب توحیدی انبیا در قرآن؛ قم: اسراء، ۱۳۹۸ ش.
- حسن‌زاده، سهیلا؛ آل‌بویه، علیرضا؛ «جایگاه اخلاقی عفت در سوره‌ی نور با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی»؛ اخلاقی وحیانی، شماره‌ی ۱، ۱۴۰۳ ش.
- خانمحمدی، زهرا؛ «بررسی جایگاه عفت در تربیت فردی و اجتماعی از منظر قران کریم و روایات»؛ پایان‌نامه‌ی سطح ۳ حوزه علمیه، سمنان، دامغان، مدرسه علمیه تخصصی فاطمیه، ۱۴۰۲ ش.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ ۵۰۲ ق.
- رحیم‌پور ازغدی، طاهره؛ عبدی، ولی؛ «مقایسه‌ی مبانی تربیت عفیفانه در اسلام و مسیحیت»؛ اسلام و پژوهش‌های تربیت، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۸ ش.
- سلیمی‌فرد، معصومه؛ گراشی، مهدی؛ «بررسی و تأثیرات حجاب و عفاف»؛ مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره‌ی ۶۲، ۱۴۰۲ ش.
- صفوی، سید ناصر؛ «مفهوم تقوا و کاربرد آن در قرآن کریم»؛ پژوهش‌های قرآنی، ویژه‌نامه قرآن و فقه، شماره‌ی ۴، ۱۳۷۴ ش.
- صفایی حائری، علی؛ حرکت؛ قم: لیله‌القدر، ۱۳۹۵ ش.

- طباطبائی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ قم: امجد، ۱۳۹۶ ش.
- ـــــــــــــــــ؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶ ش.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ قم: ناصرخسرو، ۱۳۸۴ ش.
- طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد؛ مجمع البحرین؛ تصحیح: احمد حسینی شکوری؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طیبی، زینب؛ عزیزی، زهره؛ «بررسی ابعاد عفاف در قرآن و حدیث»؛ قرآن و عترت، سال سوم، شماره‌ی ۵، ۱۳۹۹ ش.
- علم‌الهدی، سید عبدالرسول؛ «نقش تربیت عفیفانه برای تربیت اخلاق جنسی»؛ مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۷ ش.
- فتحی، علی؛ «تبیین روش معناشناسی واژگان تربیتی کلیدی قرآن: معناشناسی موردی تربیت»؛ تربیت اسلامی، شماره‌ی ۳۸، ۱۴۰۰ ش.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ کتاب العین؛ ۱۷۵-۱۰۰ ق.
- فرمهینی فراهانی، محسن؛ اخلاق جنسی در نهج البلاغه؛ تهران: نی، ۱۴۰۰ ش.
- فلاح تفتی، فاطمه؛ حاکمیت، حجاب و عفاف؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۱ ش.
- فیضی، حسیبه؛ «شیوه‌های ترویج عفت از دیدگاه آیات و روایات»؛ یافته‌های علوم قرآنی، شماره‌ی ۱، ۱۴۰۰ ش.
- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ اصول کافی؛ ترجمه‌ی رضا مصطفوی؛ تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه، ۱۴۰۲ ش.
- ماهیمی، انسیه؛ «مفهوم‌شناسی حیاء و عفاف، آسیب‌شناسی و راهکارها»؛ پژوهش‌نامه اخلاق، شماره‌ی ۱۰، ۱۳۸۹ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ شیرازی، حائری؛ غروی، سید محمد؛ اعرافی، علیرضا؛ نوید ادهم، مهدی؛ تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر؛ قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۸۸ ش.
- مصطفوی، حسن؛ کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مقدم، آمنه؛ کریمی‌نی ، محمدمهدی؛ انصاری مقدم، مجتبی؛ «تحلیل مسئله عفت کلام در آموزه‌های قرآن کریم»؛ پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره‌ی ۳۸، ۱۴۰۰ ش.
- موسوی، سید رضی؛ حسینی، سید شهنشاه؛ «تربیت فرزند با الگوبرداری از زندگی حضرت زهرا»؛ گفتمان فقه تربیتی، شماره‌ی ۲، ۱۴۰۰ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلاء؛ اخلاق در قرآن؛ قم: مدرسه الامام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱۳۷۷ ش.